



دبیر صنف انیمیشن خانه سینما:

جشنواره ملی فیلم فجر انیمیشن را تحقیر کرد

علی نوری اسکویی، نویسنده، کارگردان و دبیر صنف انیمیشن خانه سینما در رابطه با نادیده گرفته شدن انیمیشن سینمایی «فیلشاه» ساخته هادی محمدیان در سی‌وششمین جشنواره ملی فیلم فجر یادداشتی نوشته است. در متن این یادداشت آمده است: «مسال هم جشنواره ملی فیلم فجر برگزار شد با همه انتقادها و تعریف و تمجیدها، همه مصلحت‌اندیشی‌ها و محافظه‌کاری‌های سینمایی و غیر سینمایی و همه هیاهوها و اعتراض‌ها، اما یک چیز مثل سال‌های گذشته جشنواره تغییر نکرده بود و آن نادیده گرفتن انیمیشن‌های سینمایی حاضر در جشنواره ملی فیلم فجر بود.

بله، انیمیشن سینمایی «فیلشاه» اصلاً دیده شدن‌مان به عنوان کسی که از پس گذار از فیلم‌های داستانی و مستند یا به سینمای انیمیشن گذاشتام خوب می‌دانم که بسیاری از اهالی محترم سینما از سیاستگذاران تا فعالان تولید اطلاعات کمی از هنر انیمیشن دارند و اساساً از هر چیز جدیدی واهمه دارند. در دوره گذار از سینمای آنالوگ به دیجیتال برخی موضوع و حرف‌ها را به خاطر دارم. اولین تجربه‌های جلوه‌های ویژه بصری را که تا هم اکنون نیز در انیمای عجیب برای اهالی سنتی سینما قرار گرفته است مادر تمامی این دوران‌ها این حمایت دولت و سیاستگذاران سینمایی بود که به تغییرات بنیادی سینمای کشور شتاب داد و گر نه ما همچنان باید در میان سانس‌های سینما منتظر تعویض حلقه‌های فیلم بودیم و ...

اما در مورد هنر - صنعت انیمیشن از حمایت دولت نیز خبری نیست و قرار بر این است این هنر پیشرو، جهانی، ارزآور، پر مخاطب و بی‌توقع در میان نگاه سنتی سینما مهجور بماند. فیلم سینمایی انیمیشنی که در سی و پنجمین دوره جشنواره دیده نشد چندی پیش در فیلم ۱۲ فیلم از یک جشنواره معتبر آمریکایی در رشته فیلمبرداری جایزه می‌گیرد، چطور می‌شود که هیئت داوران جشنواره‌ای که در آن دو جایزه دیگر هم به این فیلم اختصاص داده‌اند، نفاعت نکرده و فیلمبرداری فیلم را نیز درک می‌کنند؟ چون اهالی هنر آنجا موخته‌اند انیمیشن یک هنر- صنعت پیچیده است و جزئیات بسیاری درون خود دارد و به قول برخی سینماگران وطنی هنوز آن را به‌خوبی و کامپیوتر تصور نمی‌کنند. حالا رشد فکری و بالا بردن سطح اندیشه اهالی سینمای کشور در حوزه‌های فنی آیا به درستی بر عهده مدیران سینمای کشور نیست؟

فیلم سینمایی انیمیشنی که در سی و پنجمین دوره جشنواره دیده نشد چندی پیش در

فیلم ۱۲ فیلم از یک جشنواره معتبر آمریکایی در رشته فیلمبرداری جایزه می‌گیرد، چطور می‌شود که هیئت داوران جشنواره‌ای که در آن دو جایزه دیگر هم به این فیلم اختصاص داده‌اند، نفاعت نکرده و فیلمبرداری فیلم را نیز درک می‌کنند؟ چون اهالی هنر آنجا موخته‌اند انیمیشن یک هنر- صنعت پیچیده است و جزئیات بسیاری درون خود دارد و به قول برخی سینماگران وطنی هنوز آن را به‌خوبی و کامپیوتر تصور نمی‌کنند. حالا رشد فکری و بالا بردن سطح اندیشه اهالی سینمای کشور در حوزه‌های فنی آیا به درستی بر عهده مدیران سینمای کشور نیست؟

واکنش اکبر نبوی به استدلال صدرعاملی در حذف «لاتاری»

فرزین ماندگار اکبر نبوی، نویسنده و منتقد سینما به استدلال رسول صدرعاملی یکی از اعضای هیئت داوران جشنواره فیلم فجر درباره حذف فیلم لاتاری از لیست نامزدهای جشنواره واکنش نشان داد. صدرعاملی درباره لاتاری گفته بود: «ک‌بگویم؟ لاتاری آزمون داد. همه هیئت داوران را به‌خاطر قصه و تمش آزار داد. در «لاتاری» وقتی قصه به اینجا می‌رسد که منجی فرض می‌کند ریشه مشکلات بیرون از کشور است، اشتباه است. اول از همه فیلم باید به دل بنشیند. من در درجه اول مثل یک کودک فیلم را می‌بینم و فیلمی که تأثیر گذاشت بعد می‌بینم فیلمبرداری‌اش چطور بود و جدی می‌شوم.»

محمد رضا فروتن یکی دیگر از اعضای هیئت داوران جشنواره نیز درباره فیلم حسین مهدویان اینگونه اظهار نظر کرده است: لاتاری مروج خسونت بود و ما مذاکره را می‌پسندیم. برای همین کل فیلم را در نظر نگرفتیم. واکنش اکبر نبوی به این استدلال‌های محتوایی جالب است. وی می‌نویسد: رسول جان! من فیلم لاتاری را ندیده‌ام، بنابراین هیچ قضاوتی درباره‌اش ندارم و باز طبیعی است که قضاوت‌های دیگران هم براسای فیلم‌ها و ملاک نیست. اما درباره این سخنان (اگر به

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۳۶

نگاهی به فیلم «لاتاری»

ترس از ممیز قهرمان‌ها را رها می‌کند



■ **مهدی خرامان**

«قهرمان» در سینما مخاطب را همراه می‌کند. تماشاگر لباس قهرمان را بر تن می‌کند و وارد دنیای خیالی قصه می‌شود. از سویی همراه فیلم است و از سویی دیگر در قامت قهرمان خود را در پرده عریض تماشا می‌کند، مغز و ساختار ذهن به جیج جشنواره‌ای که همه چیز آن مصلحت‌اندیشی است تا علمی، جشنواره‌ای که در برخی رشته‌های آن حتی سیمرغ‌هایش قفل‌وازشده‌اند، جشنواره‌ای که همه چیز آن مصلحت‌اندیشی است تا علمی، جشنواره‌ای که دبیری جشنواره‌ای حتی در ابعاد جشنواره‌های استانی را داشته باشد.

جشنواره‌ای که هرگز تسم ثابتی را به خود تجربه نکرده و روال ثابتی نداشته است و در مغز و ساختار ذهن به جیج جشنواره‌ای در هیچ کجای جهان شباهت ندارد اما هر روز لباس جدیدی از معتبرترین جشنواره‌های جهان را به عاریه می‌گیرد! امسال هم البته شاهد نوآوری ستودنی حلقه پیچ کردن دیپلم‌های افتخار به تقلید از جشنواره «کن» بودیم. البته انتقاد حقیر صرفاً به این دوره از جشنواره و شخص آثار به داروغه‌زاده نیست که این دوره از جشنواره به نظر من اتفاقاً از دوره‌های خوب برگزاری جشنواره فجر بود. انتقاد من حتی به این روند ۲۴ ساله هیئتی برگزار کردن جشنواره هم نیست، اعتراض بنده این است. حالا که کلا ریش و قیچی را دست خود گرفته‌اید این چه نوع برخورد زنده‌ای با این هنرمندان شریف و بی‌ادعای هنر انیمیشن است؟! چرا ابتدا اعلام نمی‌کنید ما امسال به هر دلیل در جشنواره فیلم انیمیشن نخواهیم داشت!

جذاب آقای وزیر در باب اهمیت و جایگاه حیاتی صنعت انیمیشن در آینده سینمای کشور شما بیشتر از اواخر قاجار به وقایع اتفاقیه در دوران امیرکبیر که هر دو در صدد انتشار اخبار ممالک محروسه آن زمان بودند اما به خاطر محدودیت امکانات طبع و کاغذ که در آغاز به چاپ سنگی معروف بود به‌صورت گاهنامه آن هم در چهار صفحه و تیزاری جداکنر یکصد نسخه منتشر می‌شد، نوبت بخش خصوصی فرا رسید تا با دولتی‌ها به رقابت بپردازند که تنها راه آن ارائه اخبار صحیح و بدون غلو بود که اگر چه با مشکلاتی روبه‌رو می‌شد اما در نهایت با موفقیت توأم بود.

روزنامه‌های بخش خصوصی که کم کم می‌توانستند از چاپ جدید سربری و ماشین‌های دستی و مسطح هایدلبرگ استفاده کنند و حروف چین‌های زبردست روسی که فارسی را فرا گرفته بودند در طبعیه بزرگ فاروس لاله‌زار پیدا می‌شدند که البته باز هم اسم روزنامه را به همراه داشتند.

در ۵۰ سال اول عمر مطبوعات کشور تعدادی از این گاهنامه‌های دو یا حداکثر چهار صفحه‌ای در تهران، تبریز، اصفهان و شیراز فراوان‌تر از بقیه نقاط کشور بود اما بعد از سنه ۳۰ روند افزایش این نشریات با ورود امکانات چاپ پیشرفته از آلمان توانست انتشار روزنامه‌های یومیه را نیز در پایتخت تحت عنوان‌های کیهان و اطلاعات سرعت بخشد اما باز هم به دلیل استفاده از حروف سری که چیدن آن در گارسه‌ها وقت‌گیر و مشکل بود، حداکثر صفحات در دو روزنامه بزرگ به هشت صفحه می‌رسید اما در حاشیه نشریات هفتگی و ماهانه متعدد و فیلم را نادیده گرفته‌اند، بی‌سابقه‌ای است. این فیلم‌ها از زبان افرادی بیان می‌شود که تمایل زیادی به تئوری هنر برای هنر دارند.

اصلاً به قصد، کارگردان کاراکتر خود را بیشتر در موقعیت‌های شلوغ و با مردم نشان می‌دهد. «موسی» ها رهبرهای کوچک در محلات هستند، رهبرانی که باورش‌ان «انقلاب» و «وظیفه»‌شان دفاع از «ایران» و لباس امدادی‌شان، همان لباس شهادت‌شان قرار می‌گیرد و هنوز در صف اول نماز یا مش‌های گره شده «سلام بر شهیدان» و «هرگ بر امریکا» شعارشان است. «موسی»‌ها در محله‌های خود مانده‌اند، تا خرابکاری «مرضی»‌ها را درست کنند، تا هنوز جوان‌ها امید داشته باشند!

اما گاهی محصور شدن در قهرمان، بیت عاشق نبود ز عیب معشوق آگاه، فرخی سیستانی را به یاد می‌آورد؛ «موسی» عیب‌های «ایران» را می‌بیند، اما هنوز به آن باور دارد. یکی را می‌گوید «عزیزم دروغ را باور نکن» آن یکی را می‌گوید «عکس دستکاری شده»، اما این بار مانده است به «میرعلی» چه بگوید؛ «میرعلی»‌ای که مثل «موسی» عاشق است، حالا «موسی رزمنده» این بار هم همان قوانین فرماندهی را اجرا می‌کند، او نمی‌گوید «برو» بلکه می‌گوید «بریم». آری «موسی» است که پیش «میرعلی» می‌رود. او مسیر را به «میرعلی» نشان

می‌دهد تا بار دیگر «جان» و «مال» خود را در راه «معشوقه» خود فدا کند و دل را به دریا می‌زند تا شاید در برابر عیب‌های «موسی» ها رهبرهای کوچک در محلات

هستند، رهبرانی که باورش‌ان «انقلاب» و «وظیفه»‌شان دفاع از «ایران» و لباس امدادی‌شان، همان لباس شهادت‌شان قرار می‌گیرد و هنوز در صف اول نماز یا مش‌های گره شده «سلام بر شهیدان» و «هرگ بر امریکا» شعارشان است. «موسی»‌ها در محله‌های خود مانده‌اند، تا خرابکاری «مرضی»‌ها را درست کنند، تا هنوز جوان‌ها امید داشته باشند!



هشت صفحه‌ای از این امکانات استفاده می‌کردند. چاپ چهار رنگ نیز همانطور که از اسمش پیدا بود در چهار مرحله و محلات بود که حتی محلی‌های چهار صفحه‌ای و هفتگی آن نیز که اکثراً با چاپ مشکلی به طبع می‌رسید از تیراژ قابل قبولی برخوردار بود و روزبه‌روز بالای آن در تک‌فروشی و مشترکان را

آگهی‌های خصوصی می‌توانست ضمن تأمین هزینه‌ها، درآمد قابل قبولی را نیز برای صاحب امتیازان آن داشته باشد. در سال‌های نیمه اول دهه ۵۰ این پروژه به سرعت وسعت گرفت و تعداد نشریات همراه با حضور سیستم‌های جدید حروف چینی و چاپ مسطح و روی تیراژها را افزود اما در سال‌های ۵۸ به بعد و آغاز تحریم‌ها و همچنین هجوم جنگ بی‌امان این روند تغییر یافت و روزنامه به‌جز موارد و زمان‌های مقطعی و استثنایی روندافت مخاطبان را آغاز نمود تا جایی که در دهه‌های اخیر به ارقام باورنکردنی رسیده و خسارات جبران‌ناپذیری را برای سرمایه‌گذاران داشته است که مستندات مسئولان فرهنگی در این باره بیشتر بر محور ورود شبکه‌های اجتماعی و اینترنت دور می‌زند در حالی که ژاپن یعنی صاحب اصلی تکنولوژی‌های فراخ روید در راه است و این سالم به در برند.

■ **روزنامه‌نگار پیشکسوت** روزنامه‌های وابسته همچون بورس روزانه‌های «ایران» را می‌بیند، اما هنوز به آن باور دارد. یکی را می‌گوید «عزیزم دروغ را باور نکن» آن یکی را می‌گوید «عکس دستکاری شده»، اما این بار مانده است به «میرعلی» چه بگوید؛ «میرعلی»‌ای که مثل «موسی» عاشق است، حالا «موسی رزمنده» این بار هم همان قوانین فرماندهی را اجرا می‌کند، او نمی‌گوید «برو» بلکه می‌گوید «بریم». آری «موسی» است که پیش «میرعلی» می‌رود. او مسیر را به «میرعلی» نشان می‌دهد تا بار دیگر «جان» و «مال» خود را در راه «معشوقه» خود فدا کند و دل را به دریا می‌زند تا شاید در برابر عیب‌های «موسی» ها رهبرهای کوچک در محلات هستند، رهبرانی که باورش‌ان «انقلاب» و «وظیفه»‌شان دفاع از «ایران» و لباس امدادی‌شان، همان لباس شهادت‌شان قرار می‌گیرد و هنوز در صف اول نماز یا مش‌های گره شده «سلام بر شهیدان» و «هرگ بر امریکا» شعارشان است. «موسی»‌ها در محله‌های خود مانده‌اند، تا خرابکاری «مرضی»‌ها را درست کنند، تا هنوز جوان‌ها امید داشته باشند!

انتقاد از بی‌توجهی جایزه کتاب سال به ادبیات کودک



در حالی که طی هفته گذشته شاهد برگزاری سی‌وپنجمین دوره جایزه کتاب سال و معرفی آثار برتر در حوزه‌های مختلف بودیم، سیدعلی کاشفی از کم توجهی این جایزه به ادبیات کودک انتقاد کرد. سیدعلی کاشفی خوانساری، نویسنده و روزنامه‌نگار حوزه کودک و نوجوان در گفت‌وگو با «مهر» از کم توجهی جایزه کتاب سال به بخش کودک و نوجوان انتقاد کرد و گفت: تصور من این است که این کم توجهی به غلبه مسائل سیاسی برمی‌گردد. این روزها سیاست در اولویت است و کودکان، به‌عنوان آینده‌سازان این مرز و بوم فراموش شده‌اند و چون صدای اعتراض ندارند، کسی به آنها اهمیت نمی‌دهد و همه در تلاش برای راضی نگه‌داشتن بخش‌ها و گروه‌های دیگر جامعه هستند.

سر دبیر فصلنامه تخصصی کودک و نوجوان یکی دیگر از دلایل کم توجهی به کتاب‌های نوشته شده برای این گروه سنی را غلبه نگاه و شنفکرانه دانست و افزود: این نگاه موجب شده حتی کسانی که کتاب می‌خوانند هم ادبیات کودک و نوجوان را بی‌اهمیت تلقی کنند و به آن توجه نداشته باشند. برای همین است که نویسندگان و مترجمان خوب گروه سنی کودک و نوجوان، آنقدر برای این گروه از کتابخوان‌ها مطرح و شناخته شده نیستند که مثلاً پدیدآورندگان ادبیات بزرگسال شناخته شده‌اند.

کاشفی خوانساری با اشاره به آمار بالای تولید کتاب کودک و نوجوان در بازار نشر ایران گفت: امروز ۲۰ درصد از عناوین کتاب‌های منتشر شده در ایران، کتاب‌های کودک و نوجوان هستند. همچنین این گروه سنی به لحاظ شمارگان، ۳۰ درصد نشر ایران را به خود اختصاص داده است و ۲۵ میلیون نفر از جمعیت کشور، ما کودک و نوجوان هستند. حالا چگونه می‌توان این گروه خواسته‌ها و نیازهایشان را نادیده گرفت؟!

این پژوهشگر کتاب کودک و نوجوان در ادامه بیان کرد: ادبیات کودک و نوجوان در سال‌های اخیر، افتخار آفرین بوده و جایزه‌های جهانی متعددی را به خود اختصاص داده است اما متأسفانه جایزه کتاب سال ۱۳۹۶، هیچ سهمی را به این شاخه از ادبیات اختصاص نداده و این در حالی است که برخی سال‌ها حتی چهار یا پنج برگزیده این جایزه، فعالان و پدیدآورندگان ادبیات کودک و نوجوان بوده‌اند.

کاشفی خوانساری همچنین با اشاره به جشنواره نقد کتاب گفت: این جشنواره هم چند ماه پیش برگزار شد. در آیین‌نامه این جشنواره آمده که به چهار گروه سنی از جمله کودک و نوجوان جایزه تعلق خواهد گرفت اما حتی در آن مراسم هم این گروه سنی نادیده گرفته شد و این بی‌توجهی به ادبیات کودک و نوجوان، یک آسیب جدی و گوناوی عوام‌زدگی است که ما را از اهداف بلندمدت خود در ارتباط با ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی دور می‌کند.

۲۲۰ هزار فیش برای ۱۴ جلد روز شمار انقلاب

میرزا باقر علیان‌نژاد نویسنده کتاب روز شمار انقلاب اسلامی با اشاره به گردآوری ۲۲۰ هزار فیش برای تألیف این مجموعه ۱۴ جلدی گفت که تألیف این مجموعه ۱۳ سال زمان برده است. میرزا باقر علیان‌نژاد در باره ماجرای تألیف روز شمار انقلاب اسلامی که در ۱۴ مجلد تألیف و تدوین شده است، اظهار داشت: من در سال ۱۳۷۱ وارد حوزه هنری شدم. در همان ایام واحدی به نام تدوین انقلاب اسلامی تشکیل شده بود که من در آن واحد مشغول به کار شدم. در بدو ورود، اولین پروژه به نام روز شمار انقلاب اسلامی در دستور کار قرار گرفت. طی پنج سال جمع‌آوری منابع که از روزنامه‌ها، مجلات، کتب، اسناد محرمانه و روزنامه و رسانه‌های خارجی بود به پایان رسید و کار نگارش روز شمار آغاز شد. تا سال ۱۳۸۳ هشت جلد اول منتشر شد. این هشت جلد به قلم آقای سعادت نگارش شد اما با رفتن ایشان از حوزه هنری، من از سال ۸۳ تاکنون مشغول نگارش سایر جلدها هستم. تاکنون ۱۳ جلد منتشر شده و جلد چهاردهم به احتمال زیاد بهمن سال بعد منتشر خواهد شد.

وی افزود: زمانی که من کار را تحویل گرفتم آقای سعادت تا آخر ۵۷، آن نوشته بودند. من از سال ۱۳۸۳ که کار را دست گرفتم، قرار بود دی و بهمن ۵۷ را بنویسم، تصور می‌کردم این کتاب حدود دو یا سه جلد خواهد شد و طی سه سال تمام می‌شود اما این بازه زمانی از پیروزی انقلاب به اندازای فر فراز و نشیب بود که این دو ماه نزدیک به ۱۲ سال به طول انجامید و هنوز هم بسیار بسیار جای کار دارد. در این بازه، تغییر نخست‌وزیر، اعتصاب روزنامه‌ها، حضور امام در نوفل‌لوشاتو و ده‌ها حادثه دیگر کار را بسیار تسکین‌تر از چیزی که تصور می‌کردم، پیش برده است.